ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
سه‌شنبه • ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۸
۸ رمضان ۱۴۴۰ • ۱۴ می ۲۰۱۹
شماره ۲۰۰۹۸
۱۳۲۱

زندگی سلام

ناگفته‌هایی از سبک زندگی «آیت‌ا... سید عزالدین حسینی‌زنجانی» از زبان فرزند و شاگردان شان به بهانه سالروز درگذشت ایشان

عزت دین

مصطفی میرجانیان | روزنامه‌نگار

پرونده

«عزالدین جوان سخت بیمار است. ظاهرا به حصبه مبتلا شده است. پزشکان اما بیماری‌اش را اشتباه تشخیص می‌دهند. بیماری آن‌قدر تشدید می‌شود که دیگر نمی‌تواند از جایش برخیزد. امام(ره) در کلاس درس متوجه می‌شود که یکی از شاگردانش غایب است. وقتی به اطلاعش می‌رسانند که شاگردش بیمار است راهی حجره او می‌شود. خودش آن روز را این گونه تعریف می‌کند: «وقتی امام(ره) به عیادتم آمدند و دیدند حال مساعدی ندارم، دستور دادند رختخواب مرتبی را از منزل خودشان به حجره‌ام بیاورند. در آن شرایط گاهی حتی از درد، بی‌حال می‌شدم. چشمانم را که باز می‌کردم، می‌دیدم امام(ره) بالای سر من نشسته‌اند و داروهای مرا به من یادآوری می‌کنند...» این برش کوتاهی از زندگی مرحوم آیت‌ا... سید عزالدین حسینی‌زنجانی است. یکی از شخصیت‌های بی‌نظیر دوران معاصر که سبک زندگی‌اش برای جامعه امروزی ما می‌تواند الگویی مناسب از نظر رفتار، گفتار و منش قرار بگیرد. ۲۴ اردیبهشت، سالروز درگذشت این عالم وارسته است. به همین مناسبت در پرونده امروز به سراغ چند نفر از افرادی رفتیم که در بخشی از زندگی‌شان توفیق ارتباط با این مرجع عالی‌قدر را داشته‌اند و از این افراد خواستیم تا از سبک زندگی و اندیشه‌های ناب آیت‌ا... سید عزالدین زنجانی، بیشتر برایمان بگویند.

عکس: میثم دهقانی

روایتی کوتاه از ۹۳ سال زندگی عزتمندانه

سید عزالدین حسینی‌زنجانی، فروردین ۱۲۹۹ در زنجان متولد شد. او در جوانی تحت تربیت پدرش، میرزا محمود حسینی، امام جمعه زنجان مدارج علمی را طی کرد و همزمان زبان فرانسوی را آموخت. به سن ۲۰ سالگی که رسید به حوزه علمیه قم رفت و در محضر استادانی مانند امام خمینی(ره)، سید محمد حسین طباطبایی، آیت‌ا... بروجردی و آیت‌ا... کوه کمره‌ای پرورش یافت و آن‌قدر توجه استادانش را به خود جلب کرد که علامه طباطبایی در مصاحبه‌ای از شاگردش، عزالدین زنجانی این چنین یاد کرد: «مقام علمی سید عزالدین برای مردم مجهول است، ایشان بسیار زحمت کشیده و دارای مراتب عالی علمی است.» آیت‌ا... زنجانی بعد از ۱۴ سال تحصیل در قم به نجف رفت اما با درگذشت پدرش برای انجام امور مسجد «سید» که نسل اندر نسل در اداره خاندان حسینی بود به زنجان عزیمت کرد. ایشان سال ۴۲ و بعد از ماجرای مدرسه فیضیه که امام خمینی(ره) دستگیر شد، به سخنرانی علیه حکومت پهلوی پرداخت و دستگیر شد اما دست از روشنگری مردم برنداشت و در سخنرانی دیگری علیه محمدرضا پهلوی صحبت کرد و کمی بعد هم به مشهد تبعید شد. آیت‌ا... زنجانی وقتی به مشهد آمد به فعالیت‌های علمی و فرهنگی‌اش ادامه داد که اقامه نماز در مسجد امام صادق(ع) یکی از آن‌ها بود. مسجد امام صادق(ع) در خیابان دانشگاه قرار دارد و از این رو محل رفت و آمد دانشجویان و قشر جوان بوده و هست بنابراین مرحوم زنجانی با گشاده‌رویی به پرسش‌های جوانان در این مسجد پاسخ می‌داد. این فقیه مردمی سرانجام در سپیده‌دم ۲۴ اردیبهشت ۹۲ در سن ۹۳ سالگی درگذشت اما یادش هیچ‌گاه از ذهن علاقه‌مندان به راه حق، پاک نخواهد شد.

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام سید محمدباقر حسینی‌زنجانی درباره سبک زندگی پدرشان

پدرم اول عامل بود و بعد واعظ

حجت‌الاسلام سید محمدباقر زنجانی در گفت‌وگویی که در ادامه می‌خوانید به گوشه‌هایی از سبک زندگی و نگرش پدر بزرگوارشان به زندگی اشاره می‌کند.

کمی از روش‌های تربیتی پدرتان بگویید. ایشان چه نکاتی را برای تربیت بهتر نسل بعدی‌شان در نظر داشتند؟

من سوال شما را با یک شعر از سعدی پاسخ می‌دهم که خطاب به فردوسی می‌گوید: «سخن در صلاح است و تدبیر و خوی / نه در اسب و میدان و چوگان و گوی / تو با دشمن نفس همخانه‌ای / چه در بند پیکار بیگانه‌ای» یعنی تو با دشمنی به نام نفس هم خانه‌ای. پس اول باید خودت را اصلاح کنی. پدرم اول خودشان را اصلاح کرده بود و بعد به تربیت فرزندان‌شان اقدام کرد. آیت‌ا... عزالدین زنجانی برای من هم حکم پدر داشت و هم استاد. یعنی این جور نبود که به دلیل مشغله‌ها و مراجعات فراوان ارتباطم با ایشان کم باشد. بلکه زیر دست خودش آموزش دیدم اما من در تمام این مدت حتی یک کلمه ناسزا و بیهوده از ایشان نشنیدم. چون اگر چیزی را به ما توصیه می‌کرد، اول خودش به آن عمل می‌کرد. ایشان اول عامل بود و بعد واعظ.

چرا ارتباط با جوانان این‌قدر برای پدرتان اهمیت داشته است؟

مرحوم پدرم، پاسخ گویی به مردم را وظیفه خود می‌دانست چون طبق حدیثی که می‌گوید: «زکات علم در نشر دادن آن است» ایشان معتقد بود ما آدم‌های زیادی داریم که بالای منبر می‌روند و سخنرانی می‌کنند اما باید آدم‌هایی هم باشند که به شبهات پاسخ دهند یا افرادی باید باشند که تفسیر قرآن بگویند. خب مخاطب این‌ها هم بیشتر جوانان هستند. همین جوانان هستند که شبهاتی برایشان پیش می‌آید و باید جواب بگیرند.

از بارزترین خصوصیات فردی آیت‌ا.. که شما را تحت تاثیر قرار می‌داد هم بفرمایید؟

پدرم همیشه برای مردم سرتاپا گوش بود. با این که انسان بزرگ و آگاهی بود اما هیچ وقت نخواست که حرف خودش را به کرسی بنشاند. در بحث با افراد اگر موضوعی را قانع کننده نمی‌دید به آرامی و ملایمت آن را رد می‌کرد. او با آن همه مراجعات و مشغله‌ای که داشت وقتی به خانه می‌رسید با ما بازی می‌کرد مثلا ما پسرها توپ می‌آوردیم و اگر پدرمان حال داشت وارد بازی بچگانه ما می‌شد. او با این که در انجام کارها، مطالعه و زندگی دقیق و جدی بود ارتباط با بچه‌هایش را فراموش نمی‌کرد.

خاطرات مدیر کل پژوهش‌های اسلامی رسانه از سبک زندگی آیت‌ا... زنجانی

آداب خاص آیت‌ا... برای عقد جوانان

حجت‌الاسلام علی نهاوندی برای ما خراسانی‌ها چهره آشنایی است. او تا همین چهار سال پیش به عنوان مدیر کل صدا و سیمای استان خراسان رضوی فعالیت می‌کرد و حالا مدیر کل پژوهش‌های اسلامی رسانه شده است. حجت‌الاسلام نهاوندی که در اوایل دوران طلبگی‌اش با آیت‌ا... عزالدین حسینی‌زنجانی آشنا شده بود از ارتباط ایشان با جوانان می‌گوید: «منزل حاج‌آقا همیشه محل رفت و آمد بود؛ هم از نظر مراجعات دینی، هم چهره‌های ادبی و نخبگانی که از خارج از کشور به خانه ایشان می‌آمدند و مرحوم زنجانی با توجه به تسلط به زبان فرانسوی به بحث علمی با آن‌ها می‌پرداخت اما همیشه یکی از شیرین‌ترین جلسات ایشان جلسات عقد جوانان بود که آداب خاصی داشت. طوری که حاج‌آقا عزالدین بعد از این که خطبه عقد را می‌خواند، توصیه‌هایی به تازه عروس و داماد‌ها گوشزد و بعد هم کتابی را به آن‌ها معرفی می‌کرد که معمولا کتاب «آیین زندگی» اثر «دیل کارنگی» بود. به نظرم همین که یک عالم دینی یک کتاب خارجی به زوج‌های جوان معرفی می‌کند، نشان دهنده ضمیر روشن و روشنفکری ایشان است. چون مرحوم عزالدین زنجانی به غیر از مطالعه دروس حوزوی و دینی از زمینه‌های دیگر هم آگاه بود و آثار بزرگان هر گوشه از جهان را مطالعه می‌کرد.»

تنها مسئله‌ای که آیت‌ا... را ناراحت می‌کرد

حجت‌الاسلام نهاوندی درباره یکی از زمان‌هایی که آیت‌ا... عزالدین واقعا ناراحت می‌شدند، می‌گوید: «آیت‌ا... روی مسائل ازدواج جوانان بسیار حساس بود. هر موقع برای ایشان از مشکلات جوانان مانند بیکاری، گرانی و... می‌گفتند که این موضوعات مانع ازدواج آن‌ها شده است به شدت آشفته می‌شد و حتی این مسائل را در دیدار با مسئولان به تندی منعکس و انتقاد می‌کرد که شما به عنوان متولیان حاکمیت و حکومت یک کشور اسلامی موظف هستید که به نیاز روحی و روانی نسل جوان توجه کنید. تا جایی که یادم می‌آید هیچ چیزی حاج‌آقا را ناراحت نمی‌کرد اما ایشان روی نسل جوان حساس بود. اصلا روش و سبک ایشان بی‌تفاوتی نبود که به هیچ زمینه‌ای ورود نکنند.»

گفتنی‌های یک استاد حوزه و دانشگاه از شیوه دینداری آیت‌ا... زنجانی

سخت‌گیر نبود اما در واجبات جدی بود

حجت‌الاسلام «وحید قنبری راد» قبل از این که شاگرد آیت‌ا... زنجانی باشد با پسر کوچک ایشان ارتباط دوستی و همشاگردی داشته است و حالا چند سال است که مسئولیت دفتر آیت‌ا... سیدمحمد حسینی‌زنجانی را بر عهده دارد. ایشان درباره اندیشه و طرز تفکر آیت‌ا... زنجانی می‌گوید: «ایشان در انجام اعمال عبادی آن چنان سخت گیری نداشت یعنی همچنان که در انجام واجبات جدی بود اما با متانت با افراد برخورد می‌کرد. مثلا درباره طلاق اگر خانمی را می‌دید که از زندگی با همسرش در آزار و اذیت است، هیچ وقت تاکید نداشت که الا و بلا باید زندگی با این همسر را ادامه بدهد. البته آیت‌ا... هنگام مراجعه زن و شوهرهای ناسازگار، اول دعوت به سازش می‌کرد اما بعد از مدتی اگر می‌دید توصیه‌هایش بی فایده است، می‌گفت که دیگر دلیلی ندارد که هر دو نفر در این زندگی بمانند. این دید باز و سهل گیری در دین باعث شده بود که آدم‌هایی با طرز تفکرهای مختلف دور ایشان جمع شوند.»

انصاف علمی یک استاد

حجت‌الاسلام قنبری راد ادامه می‌دهد: «انصاف علمی آیت‌ا... زنجانی بی حد و مرز بود. ایشان مدام می‌گفت که مطالب من را نقد کنید و هیچ وقت هم ناراحت نمی‌شد. هیچ وقت روی حرفش تعصب نداشت که چون درجه علمی‌اش بالاتر از همه‌مان است پس باید حرف، حرف خودش باشد. ایشان آثار نویسندگان خارجی و غیر مسلمان را بسیار می‌خواند و آثار خوب را به دیگران معرفی می‌کرد. مرحوم زنجانی به قدری به کتاب علاقه داشت که می‌گفت هر موقع کتاب خوبی دیدید برای من هم بخرید. در غیر این صورت کتاب شما مصادره می‌شود! یک بار منزل ما تشریف آورد و دو تا کتاب از علامه حسن‌زاده آملی روی میز بود. همین که این دو کتاب را دید، آن‌ها را برداشت و گفت که قبلا با شما شرط کرده بودم، حالا این کتاب‌ها مال من است!»

یکی از معروف‌ترین جمله‌های آیت‌ا... حسینی‌زنجانی که شوکه‌تان می‌کند

اگر میسر باشد من هم شلوار لی می‌پوشم!

مرحوم آیت‌ا... زنجانی در تمام طول زندگی خود کوشید تا قشر جوان را به طرف خود جذب کند. نگاه او حداکثری بود و تلاش کرد که حتی جوان‌هایی را که رنگ و بوی دینی ندارند به طرف خوبی‌ها بکشاند. در ویدئویی که احتمالا به سال‌های آخر عمر این عارف وارسته مرتبط است، ایشان جمله‌ای می‌گوید که حیرت‌انگیز است. ایشان می‌گوید: «وقتی به مسجد می‌رفتم غیر از جوان‌ها نمی‌آمدند. بعضی از خوارج (به شوخی، منظور جوانانی هستند که ظاهر نامناسبی دارند) به مسجد می‌آمدند و بعضی افراد می‌گفتند که این چه پوششی است؟ من هم در جواب‌شان گفتم که شلوار مال پوشاندن است. اگر میسر باشد من هم شلوار لی می‌پوشم!»

شما می‌توانید این ویدئو را با اسکن این کیوآرکد ببینید.

یکی از شاگردان آیت‌ا... حسینی‌زنجانی از ویژگی‌های شخصیتی استادش می‌گوید

متواضع، منظم و خوش‌مشرب

حجت‌الاسلام «سید مجتبی معاون زاده غزنوی»، مدیر مدرسه علمیه آیت‌ا... فاضل قائمی که در سال‌های جوانی‌اش با دست تقدیر موفق شده است در محضر آیت‌ا... زنجانی بنشیند. او درباره چگونگی آشنایی‌اش با آیت‌ا... زنجانی می‌گوید: «حدود سال ۶۴-۶۳ بود که توسط یکی از دوستانم با حاج‌آقا آشنا شدم. ایشان من را دعوت کرد و گفت که یک شب بیایید تا با هم به خانه استادم برویم. من هم قبول کردم و در همان لحظه ورود متوجه شدم که آیت‌ا... برای هر کسی که اولین بار سراغ ایشان می‌رود، مناسب حالِ فرد مقابلش اشعاری از مولوی را می‌خوانند بنابراین این رفتار ایشان همان اول من را مجذوب خود کرد. آیت‌ا... زنجانی مردی حر بود یعنی عرف مانع ایشان نمی‌شد. آشنایی بسیار زیاد ایشان با مثنوی به همین دلیل بود. چون بعضی از عرفا مخالف استفاده از اشعار در موضوعات دینی به خصوص مسائل توحیدی هستند اما این چیزها مانع آن مرحوم نمی‌شد.»

توجه ویژه آیت‌ا... به نظم

وی درباره ویژگی‌های شاخص شخصیتی مرحوم زنجانی می‌گوید: «حاج آقا به شدت منظم بود. روزی که ملبس به لباس روحانیت شدم، توصیه کردند که این لباس حرفه‌ای توست و همیشه باید اتو کرده و تمیز باشد. یادم می‌آید یک روز به خانه استاد رسیدم اما ایشان هنوز در راه خانه بودند و بچه‌ها بازی می‌کردند و همه جا را به هم ریخته بودند. آن‌ها همین که فهمیدند حاج آقا نزدیک خانه است، با سرعت بساط‌شان را جمع کردند و به شکلی منضبط سر کارشان رفتند. همان‌جا فهمیدم که ورود و حضور حاج آقا در منزل با آداب خاصی همراه است.»

عالم فرهیخته‌ای که تواضعی مثال‌زدنی داشت

او ادامه می‌دهد: «حاج آقا از نظر اجتماعی بسیار متواضع بودند و با این که از سلسله بزرگی بودند اما مثل بقیه مردم زندگی می‌کردند. یادم می‌آید خانمی در منزل حاج آقا حضور داشت و به همسر ایشان کمک می‌کرد. آن خانم فرزندی داشت که از نظر ذهنی و جسمی معلول بود. بیماری او هم به حدی بود که خیلی‌ها نزدیکش نمی‌شدند چون حرکات نافرمی نشان می‌داد و حتی غذا خوردنش به نحوی چندش‌آور بود. من در مدتی که با حاج‌آقا عزالدین و خانواده‌شان ارتباط داشتم، متوجه شدم که بیشتر اوقات حتی آن دختر معلول هم با خانواده حاج آقا سر یک سفره می‌نشیند و غذا می‌خورد. با این که حاج‌آقا عالم بنامی بودند و آداب اجتماعی فرهیخته‌تری داشتند اما باز هم این جور نبود که مغرور باشند. ایشان تواضعی مثال‌زدنی داشتند.»

اهل این بود که بخندد و بخنداند

حجت‌الاسلام «غزنوی» معتقد است که مرحوم زنجانی در مخاطب شناسی به شدت موفق بوده است. او می‌گوید: «آیت‌ا... در معاشرت با مردم کاری نمی‌کرد که موجب سردی جمع شود. حتی در جلسات مهمی که شرکت داشت، کاری می‌کرد که گفت‌وگوها جدی صرف نباشد چون نمی‌خواست که جمع از رونق بیفتد. یکی از دوستانم برای من تعریف می‌کرد که چندسال پیش، جمعی از چند کشور اروپایی خدمت حاج‌آقا رسیدند و بعد از برخورد با ایشان تعریف می‌کردند که ما قبلا با علمای دیگری دیدار داشتیم اما هیچ کدامشان به مهربانی و خوش مشربی شما نبودند. آیت‌ا... اهل این بود که بخندد و بخنداند. این روش آیت‌ا... بود و با همین شیوه همه را دور خودش جمع و کاری کرد که افراد غیر دینی هم به طرفش جذب شوند. یک بار خود آیت‌ا... به شوخی گفت که وقتی این جور آدم‌ها به ما مراجعه می‌کنند حتما با ما سنخیتی دارند یعنی حتما ما هم مشکلی داریم!»